



حکومت اشکانیان

پیشینه ی اسب های اصیل ایرانی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۶ مرداد ۱۳۹۲ / ۱۶ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

اسب اصیل ایرانی اسب از جانورانی است که از آغاز در میان آریاییها و در فرهنگ اقتصادی و اعتقادی ایرانیان جایگاه ویژه داشته است. جا به جایی آریاییها در هزار و چهارصد سال پیش از میلاد توسط ارابه های اسبی و استفاده مهم از اسب بوده و ارابه های معروف آنها از همه چیز بیشتر توجه تاریخ نگاران را به خود جلب کرده و آنان با اهمیت از آنها یاد کرده اند. در دوره ی مادها که به سال ۷۰۱-۵۵۴ ق.م افزون بر یک سده و نیم حکومت کردند در نبردهای خود اساسی ترین نقش را به سواره نظام داده بودند که همین امر باعث شد که کیاکسار



اسب اصیل ایرانی

اسب از جانورانی است که از آغاز در میان آریاییها و در فرهنگ اقتصادی و اعتقادی ایرانیان جایگاه ویژه داشته است. جا به جایی آریاییها در هزار و چهارصد سال پیش از میلاد توسط ارابه های اسبی و استفاده مهم از اسب بوده و ارابه های معروف آنها از همه چیز بیشتر توجه تاریخ نگاران را به خود جلب کرده و آنان با اهمیت از آنها یاد کرده اند.

در دوره ی مادها که به سال ۵۵۴-۷۰۱ ق.م افزون بر یک سده و نیم حکومت کردند در نبردهای خود اساسی ترین نقش را به سواره نظام داده بودند که همین امر باعث شد که کیاکسار پادشاه سوم ماد برای رویارویی با ارتش آشور که در بین النهرین وجود داشت به تاسیس رسته سواره نظام پردازد و بعد از اتحاد مادها و پارتها و پارسها که همگی آریایی بودند، یورش به قوم وحشی آشور و شکست دادن آن قوم وحشی و از میان بردن نسل و نژاد آنها پیش آمد و این پیروزی دروازه ای برای ورود اسب آریین به دنیای عرب گردید، البته پیش از آن زمان هم اعراب اسب را از آشوریها گرفته بودند و آشوریها نیز اسب را در یورشهای متمادی قبلی از قوم آریین به دست آورده بودند.

... (این نوشته بسیار مهیج و جالب را از دست ندهید)

چینی ها در منابع فرهنگی خود از اسبان تیزتک اشکانی که موثرترین ابزار کار پارتیان بوده، نام برده اند. پارت قومی است ایرانی و آریایی که مردان و اسبان جنگی بسیار خوبی داشته و واژه پارتیزان به معنای چریکهای جنگی از نام قوم پارت برداشته شده است به دلیل چالاکي و دلیري در جنگ با دشمن.

در بازرگانی اشکانیان اسب بسیار مهم بوده است. هم برای حمل و نقل با و هم از برای فروش، اسبان را به جزایر و سرزمینهای خلیج فارس می بردند و اعراب با خرید اسب در برابر خرما و همچنین به دست آوردن اسب از راه دزدی و غارت اسبهای مورد نیاز خود را تا حدی تامین کرده اند. ضمناً آشوریهای ساکن بین النهرین در انتقال نژاد اسب ایرانی به آن طرف آبهای خلیج موثر بوده اند

اشکانیان برای حفظ جان اسبان خود در مبارزه ها بر تن آنها پوششهای فلزی می نهادند و با پوششهای فلزی و چرمی بدن اسبان را می پوشاندند، این پوششها را در اصطلاح برگستوان می گفتند. برای اثبات این گفته همان به که سخن فردوسی بزرگ را به خاطر آوریم که در جنگ رستم و اسفندیار فرمود:

کف اندر دهانشان شده خون و خاک همه گبر و برگستوان چاک چاک

تیرداد سوم پادشاه اشکانی که با برادر خود بر سر فرمانروایی در جنگ و ستیز بود از بروز خشکسالی دیرپایی که گریبانگیر مردم ایران بود رنج می برد. خوابگزاران به او گفتند کلید این بدبختی در دست توست و این امر پایان نپذیرد مگر با قربانی کردن اسب خود به درگاه خدا که این امر با تمامی علاقه تیرداد به اسبش در کنار رود فرات انجام گرفت. این را باید متذکر شد که قربانی کردن اسب در آیین اول ایرانیان یعنی دین زرتشت و در دین اسلام آزاد نبوده و این حیوان نجیب از سوی حضرت محمد (ص) مکروه اعلام شد تا نسل این حیوان گرانقدر به انقراض کشیده نشود، پس به گواه تاریخ بدون هیچ تردیدی خاستگاه این چهارپای برانزده ایران بزرگ و یا ایرانویج یا سرزمین موعود بوده است که محدود از شمال به کناره های دریاچه آرال، از خاور به دامنه پامیر و ماورالنهر و از جنوب به کرانه های خلیج همیشه فارس تا شمال آفریقا و از باختر به میان رودان (بین النهرین) تا سرزمین بیزانس بوده است تا آنجا که می گویند در سراسر جهان نمی توان اسبی یافت که خون اسب ایرانی در رگهایش روان نباشد، که این مدعا دور از ذهن نیست چون در اوستا در گاتاهای زردشت در اشتدگات فرگرد ۱۷ آمده: از تو می پرسم ای خدا آیا ده مادیان، یک شتر و یک نریان که وعده شده به من خواهد رسید؟ در اهنووگات فرگرد ۱۹ آمده از آن تو بود نیروی آفریننده ستوران باز در فرگرد ۱۱ خداوند دهقان ستور پرور را برای غمخواری تو مقرر داشت. باستان شناسان از دل خاک سنگ نبشته ها و ستونهایی را برپا ایستاده از کاخهای آپادانا و شوش و تخت جمشید در کاوشهای خود به دست آورده اند که هر چه ژرفتر به آن می نگریم در آن نقشها از پیکر اسبان نمود بیشتری می یابد و کشف اسکلت چند سوار و اسب در رستم آباد شمال و یا اشیا دیگر همچون لگام و زین در مناطق لرستان و پارس، یک نوع اسب به نام هیپاریون که در مرز چال مراغه کشف شده اتکا ایرانیان را در امور سیاسی و نظامی و اقتصادی به اسب اثبات می کند. در سیلک کاشان بقایای زین و برگ، در منطقه سلوز در پنجاه کیلومتری ارومیه لوازم سواری و سوارکاری کشف شده، در تپه گیان در نهاوند و در خورویین در نزدیک کردان تصاویر اسب بر روی گلدان کشف شده، در املش گیلان کوزه های سفالین مربوط به ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد که نقش اسب در روی آن حک شده، به دست آمده است.

اسب از دیرباز در خدمت انسان بوده و بار اول این حیوان به دست ایرانیان تربیت گردیده و به جهان عرضه گشته است. اما قوم دیگر میوه زحمات آرین را در چپاولگریهای بی رحمانه غارت نموده و حتی به نام خود نامگذاری کرده اند.

کتابهای مورخین مانند هرودوت، هومر، امین نارسن، آریه گزنفون دیده می شود که به نام آریاییها احترام گذاشته اند و هرجا بحثی از سوار و سوارکاری به میان آمده آن را به ایرانیان ربط داده اند. نام اسب را به عنوان بخشی از نام انسانها در دوران باستان در بین ایرانیان رسم بوده، مانند ارجاسب، جاماسب، طهماسب، لهراسب، گشتاسب، بیوراسب، ویشتاب. گزنفون در یادداشتهای خود آورده است که هر کجا اسبان تندرو ارابه های نیرومند باشد بزرگی حکومت در آنجاست و برای تشویق ملت خود می گوید سواری را باید از ایرانیان آموخت، هر سوار ایرانی با اسب یکی و چسبیده به آن می باشد.

امین مارسلن در کتاب خود به نام تمدن شرق می گوید: ایرانیان دلیر بوده و در سواری و تیراندازی کمتر قومی به آنها می رسد. مراتع کشور ایران بسیار بزرگ است و نژاد اسب مخصوصی در آنجا چرا می کند که در تمام دنیا بی نظیر است. ایرانیان به خوبی روی آنها پریده و با چستی و چالاکی بی اندازه سواری خوبی می نمایند و در جایی دیگر می گوید اگر سایر تاریخ نویسان این مراتب را نقل کرده اند من با چشم خود دیده ام.

هرودوت تاریخ نویس یونانی در ۲۱۰۰ سال پیش می نویسد: ایرانیان از ۵ تا ۲۰ سالگی سه چیز می آموزند، سوارکاری، تیراندازی و راستگویی.



گزنفون می نویسد همه اسبهای ایرانیان در میدان نبرد پوشیده در زره ویژه اسب بوده اند. بر سنگ نبشته های هخامنشی تصاویری از اسبان نقش بسته است. گزنفون در کوروش نامه می گوید کوروش سواری را در دربار مادها نزد پدربزرگ خود آموخت، چون در پارس اسب کمیاب و پرورش آن در سرزمین پارس دشوار بود. البته چگونگی رسیدن به پادشاهی و فتح بابل و اسب دوانی در میدان بابل هم خود داستانی است که در این متن نمی گنجد. هردوت از لشگرکشی خشایارشا شاه به یونان می گوید: این شاهنشاه در هنگام جنگ با یونانیان به تسالی رسید، در آنجا شنید که اسبهای این سرزمین بهترین اسبهای یونان هستند. خواست آزمایش نماید دستور تاخت داد در این آزمایش اسبهای تسالی واپس ماندند.

داریوش اول در سنگ نبشته تخت جمشید می گوید: ... سزاوار است که زاد و بومش دارای مردم خوب و اسبهای خوب است. بار دیگر می گوید: این سرزمین پارس را اهورامزدا (خدای بزرگ) به من ارزانی داشت، که سرزمینی زیباست و اسبهای خوب و مردم خوب دارد.

هردوت می گوید رمه اسبهای سپاهیان هخامنشی در بابل نگه داری می شود که هشتصد اسب و شانزده هزار مادیان در آنجا پرورش می یابند. در سیسیلیا در آسیای صغیر هر سال ۳۶۵ اسب سفید به تعداد روزهای سال نگه می داشتند. در سراسر راه مسافرینی که از فارس و بابل به سوی دروازه قفقاز می رفتند چراگاهی وجود داشت در زمان هخامنشیان که پنجاه هزار مادیان در آن چرا می کردند.

در تاریخ چینی که در سال ۵۷۲ میلادی به دست وی شو نوشته شده است چنین آمده که ایران دارای اسبهای نام داری است و توانگران کشور دارای چندین هزار از اینگونه چهارپایان هستند.

اسبهای بسیاری در تاریخ این سرزمین همواره با سواران جاودان گشته و در کتابهای تاریخی و سینه های مردم و فرهنگ ایرانی ثبت شده اند، مانند: شباهنگ بیژن، رخس رستم، شبذیز خسروپویز، گلگون گودرز، قران لطفعلی خان زند، بهزاد کمبوجیه، غزال شاه عباس و حتی ذوالجناح حضرت حسین بن علی (ع) نژاد اسب ایرانی بوده است (به دلیل اینکه فقط اسبهای ایرانی ذوالجناح و دارای سر و دم برافراشته هستند).

استاد پورداد می گوید: همین تکاور گستاخ است که گردونه های خروشنده و تندرو و سواران چست و چالاک را به پهنه کارزار آورده و سرزمین پهناوری از سند تا نوبه و از سند تا کرانه های دریای یونان را از آن هخامنشیان ساخت و در تاریخ چندین هزار ساله این مرز و بوم همواره ایرانیان را سربلند گردانیده است.

هردوت می گوید: خشایارشا در سپاه خود سوارانی از اعراب داشت که بر شتر سوار شده و می تاختند اما در پشت سر اسبها بودند و در جای دیگر می گوید سپاه کوروش پون به سارد پایتخت لیدیا رسید در دشتی با کروزوس روبرو شد و رزم آرایي کردند، کوروش چون سواران را دید هراسید، پس چاره ای اندیشید و دستور داد اشتران را بر آن رزمگاه آوردند. چون اسبان سپاه کروزوس آنها را دیدند هراسیدند و جنگ به سود سپاه کوروش پایان یافت. اسب همواره از شکل و اندام شتر می هراسد و بوی شتر هم برای اسب خوشایند نیست.

در نوروزنامه خیام چنین آمده: از صورت چهارپایان هیچ صورتی نیکوتر از اسب نیست. اسب شاه همه چارپایان چرنده است و گویند آن فرشته که گردونه خورشید را کشید به صورت اسبی سفید رنگ.

در قابوس نامه هم این جمله آمده است که جهان به مردمان، بپای است و مردم به حیوان و نیکوترین حیوانات اسب است و داشتن آن هم کدخدایی است و هم ثروت.

درباره پرورش اسب در زمان فرخی سیستانی در کتاب چهار مقاله تالیق ۵۵۰ هجری عروضی سمرقندی، فرخی سیستانی که به دربار امیر ابوظفر روی آورده بود در داغگاه بهار بود که در آن هجده هزار مادیان زهی (مادیانی که کره دار باشد) در مرتع وجود داشت و برای داغ سالیانه در آنجا آتشی افروخته بودند. فرخی در وصف این داغگاه چنین می گوید:

داغگاه شهریار اکنون چنان خرم بود کـاندر او از خـرمی خیره ماند روزگار

سبزه اندرسبزه همچون سپهراندرسپهر خیمه اندرخیمه چون سیمین حصاراندحصار

بر در پرده سرای خسرو پیروز بخت از پی داغ آتشی افروخته خورشید وار



اسب های اصیل ایرانی

پرون در کتاب خود به نام اسب تازی می گوید: اسبهای تازی و انگلیسی هر دو از اسبهای ایرانی متولد شده اند. پترمان در کتاب اصل اسب در صفحه ۴۱۲ چنین می گوید: اسبهای ایرانی با سلطنت آریاییهای اولیه در آسیای صغیر و بین النهرین وارد گردیده و به همین جهت آشوریه از بدو استقرار خود در صدد تهیه اسبهای ایرانی برآمده و در حملات مکرر خود همیشه به فکر اسب بوده و ستونهای یادگار نقوش برجسته آنها کاملاً شاهد این قضیه است.

چنانکه دو پادشاه آشور به نامه‌های بانیپال و سارادانپال در خطوط میخی استوانه ای چنین می گویند: به کمک آشور در سفر جنگی یک ماه و بیست روزه خود به ایالت ایلام بلایی بر سر بیچاره گان آیین وارد نموده، تمام مال و اموال و گردونه های سه اسبی و سواران، اسبها، سربازان و چهارپایان دیگر را اسیر نموده، غارت کرده و به سرزمین آشور آوردم. همانطور که در ابتدای بحث گفته شد، حکومت آشور بعدها به دست اتحاد ماد، پارس و پارت نابود گشت.

اسب به دو صورت وارد بین النهرین و عربستان شد، اول از طریق آشوریه و دوم به گفته پترمان در کتاب اصل اسب که چنین می گوید: هنگامیکه اسب توسط بازرگانان فنیقی (لبنان کنونی) و کلدانی و ایرانی به عربستان و بین النهرین رسید، نخستین خرید و فروشها در آن زمان انجام گرفت، تا مدتی نام این حیوان بر آنها معلوم نبود و آن را خر کوهستانی یا خر شرقی می گفتند (پاخورا) زیرا از طرف کوهستانهای شرق آن سرزمینها آمده بود. پس از مدتی اعراب کلدانی نام آن را عینا" از بازرگانان پرسیده و به یکدیگر می گفتند. بعدها نام قوم پارس را بر آن نهادند و چون در زبان عربی حرف (پ) وجود ندارد از حرف (ف) استفاده کردند و به این حیوان فرس گفتند، فرس واژه ثلاثی مجرد است یعنی برگرفته از فارسیها یا پارسیها.

در دوره سلطنت توتمن سوم بزرگترین پادشاه مصر که به وسیله وهای فرانسوی در کتاب خود به نام بررسی گورستان راحمه چنین می گوید: نقوش نفرات و اسبهاییکه در این گورستان به دست آمده و به دقت بررسی شده ثابت می کند اسبهاییکه در این مکان نقش بسته شده از جنس اسبهای آیین و پرستاران آنها نیز ایرانی می باشند که برای آموزش و پرورش اسب و سوارکاری به مصر اعزام گردیده اند.

مارکوپولو می گوید: در ایران قشنگترین اسبهای شرق وجود دارد و از نظر شهرتشان بازرگانان آنها را برای فروش به هندوستان آورده و به بهای گزاف به دیگران می فروشند.

کولن در کتاب نژاد اسبهای جهان می نویسد: در سال ۱۸۲۴ میلادی سواره نظام انگلیسی در هندوستان دارای ۷۵۴۶ اسب بود که از اسبهای ایرانی خریداری و کسریات آن را نیز همه ساله از ایران تهیه می نمودند. سرهنگ دو فیلتوت انگلیسی در ترجمه کتاب فرسنامه هاشمی از زبان اردو به انگلیسی چنین اظهار می کند: تشکیل نژاد خون خالص اسبهای انگلیسی امروز از نژاد اسب ایرانی است که در سال ۱۶۲۰ تا ۱۷۵۰ بهترین اسبهای ایرانی خریداری و به هندوستان اعزام می گردید.

شوآرتز در کتاب پرورش اسب در جهان می گوید در مسافرت ناصرالدین شاه قاجار به اروپا دو اسب ارزشمند آن کاروان را همراهی کردند. یکی به قد ۱۴۸ و بسیار زیبا دارای گردن خوش قواره به ایلخی تزار در روسیه بخشیده شد و دیگر اسبی نیله گلگون به قد ۱۶۲ دارای قامتی موزون که به دولت فرانسه پیشکش گردید.

واله دوونسی می گوید: اسبهای عربی و ترکی که به اروپا می آورند همان اسبهای ایرانی اند با این تفاوت که بازرگانان ایرانی آنها را به سرزمین های عرب برای فروش برده و در آنجا می فروشند و بعد به واسطه بازرگانان عرب به اروپا آورده شده و نام عرب بر آن می نهند، در اصل این اسبها ایرانی هستند.

شاردن جهانگرد فرانسوی می گوید: اسب ایرانی بهترین و زیباترین اسب جهان است، از حیث قد، بلندتر از اسبهای

دیگر است، صورت ظریف، ساق های باریک در عین حال محکم، شلوار گشاد، اندام بی نهایت متناسب دارد. آرام و صبور و شوخ طبع است. پر کار و چالاک، قانع در خوراک، به طوری که می توان آنها را با هر علوفه ای غذا داد.

بین دولت ایران و دولت فرانسه در زمان شاه سلطان حسین صفوی و لویی چهاردهم، در تاریخ رجب المرجب ۱۱۲۰ هـ. ق مطابق با سپتامبر ۱۷۰۸ م. قراردادی منعقد و طبق آن معاهده در ماده ۲۸ دولت ایران به دولت فرانسه اجازه می دهد سالی هشت سر اسب تخمی و چهار سر مادیان با رضایت مالکین منوط به اینکه از ایلخی شاه نباشد را خریداری کرده و به فرانسه ببرند. البته در اصفهان با نظر میرآخور باشی و در سایر ایالات با نظر حکام از ایران خارج شوند. در ماه اوت سال ۱۷۱۵ در زمان فتحعلیشاه قاجار به مناسبت روابط حسنه بین دولت ایران و فرانسه یکی از اسبهای نامی ایران به رسم پیشکش و هدیه به دربار ناپلئون بناپارت فرستاده شد. همان اسب سفید معروف ناپلئون است که نقاش معروف "هوراس" اسب مذکور را نقاشی کرده است. نام این اسب ((جهان پیما)) بود و پوستش در موزه لوور است. البته اسبهایی به دربار روسیه نیز پیشکش گردید، مهمترین آن اسب پاشا بود.

آندره ساکاس در کتاب اسب در یونان و پیترومان فرانسوی در کتاب اصل اسب شرح قضیه اسب اسکندر را چنین بیان می کنند: یکی از اهالی فریژی ایران قدیم که بازرگان بود چندین اسب و مادیان برای فروش به کشور مقدونیه آورده بود. این اسب ها همگی پیشانی برجسته بودند چون اهالی آن حدود چنین اسب های پیشانی برجسته ای را ندیده بودند بنا به عادت ایرانیان قدیم که آن ها را مقدس می پنداشتند، آن ها نیز از این عادت پیروی کردند. روزی فیلیپ پادشاه مقدونیه و اسکندر پسرش از بالای کاخ خود تعدادی اسب و مادیان را که در چراگاه مشغول چرا بودند، دیدند. فیلیپ اسب بسیار دوست داشت و سوارکار خوبی بود. ولی به اسکندر گفت که آن اسب شکیل را بگیرد. اسکندر بعد از مدتی تاخت و تاز توانست اسب نامبرده را بگیرد و به نام خود تربیت کند. نام او را بوسفالوس، یعنی پیشانی برجسته نامیدند.

اسب خرسان الحجاج خلیفه اموی نیز یکی از بهترین نمونه های اسب های ایرانی بود که بر حسب عقیده داستان نویسان عرب نژاد اصل او از خراسان و به خرسان معروف و موسس تیره ای به نام خرسان گردیده که امروز معروف می باشد.

پولیپوس یونانی که در سال های ۲۰۱-۱۳۰ پیش از میلاد می زیسته در روزگار خود چنین می نویسد. سرزمین ماد (هگمتانه) از برای مردم و اسب خویش به جای دیگر برتری دارد و آنچنانکه اسبش در سراسر آسیا بهترین است پرورش گاه اسب هایی که از برای آخور پادشاه است در ماد می باشد. به گفته ای تیره اسب حمدانی از این تیره می باشد.

بن مایه ی نوشتار:

چهارده ماه اسارت در ترکستان (پلوکویل)، اسب شناسی (پروفسور دشامبر)، نوروزنامه (خیام)، شاهنامه (فردوسی)، فارسنامه (ابن بلخی)، چهار مقاله (عروسی سمرقندی)، حیوان (ارسطو)، کورشنامه و آتابازیس

(گزنفون)، آثار قدیم ایران (فلاندن دکوست)، مسافرت به ایران (گوبینو)، دور دنیا و مطالعات روی اسبهای شرقی (سرهنک دوهوسه)، اسب تازی (پرون)، اصل اسب (پترمان)، تاریخ حکومت‌های شرق و تمدن آنها (مارکوپولو)، نژاد اسبهای جهان (کولن)، نژاد و پرورش اسب در دنیا (شوارتزنگر)، جلد سوم تاریخ تمدن (ویل دورانت)، تمدن شرق (امین مارسلن)، شرح مدي بزرگ (استرابون)، اسب انگلیس (یوات)، سفرنامه شاردن (شاردن)، قابوسنامه (عنصرالمعالی کیکاووس بن قابوس)، مجمل التواریخ (ابولحسن بن محمد)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل طوایف کرمانشاهان- گردگرد (اردشیر کشاورز).

1 - فدراسیون اسب سواری ایران 2 - پایگاه Persian-Horse.Ir

برگرفته شده از مهر میهن

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «پیشینه ی اسب های اصیل ایرانی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1309/pdf/پیشینه-ی-اسب-های-اصیل-ایرانی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵